

مال پیدا شده

مالی که در دست کسی قرار ندارد و صاحبش آن را گم کرده، برای یابنده آن احکام ویژه‌ای وجود دارد که در این فصل به بیان آن پرداخته می‌شود؛ مال گمشده^۱ دو قسم است: «حیوان^۲» و «غیر حیوان»^۳؛

قسم دوم: غیر حیوان

مسأله ۱۴۲۲. مالی که صاحبش نامعلوم است، دو صورت دارد:

الف. مالی که انسان اطمینان دارد صاحبش آن را گم کرده است، هرچند این اطمینان از شواهد و قرائن برای وی حاصل شود؛ مانند آنچه در کوچه و خیابان پیدا می‌شود - در بیشتر موارد - که صاحب مال، اطلاعی از محلّ مال خود ندارد؛ طوری که عرفاً گفته می‌شود: «صاحب مال، آن را گم کرده است»؛

۱. توضیحات بیشتری در مورد معنای «گمشده»، در مسأله ۱۴۲۲ ذکر شده است.

۲. حیوان گمشده در اصطلاح فقهی، «ضالّه» نامیده می‌شود.

۳. احکام مربوط به «لقیط» در جلد چهارم، فصل «برخی از احکام مربوط به اولاد» ذکر می‌شود؛ منظور از «لقیط» نوزاد یا کودک صغیری است که توانایی حفظ و نگهداری خود را ندارد و در اماکن عمومی مثل حاشیه خیابان، کوچه، یا مسجد یا بیمارستان یافت می‌شود و بدون سرپرست رها شده و پدر و مادرش معلوم نیست.

در مورد چنین مالی، احکام «گمشده»^۱ جاری می‌شود.

ب. مالی که صاحبش آن را گم نکرده یا برای انسان معلوم نیست که صاحب مال، آن را گم کرده باشد؛ مانند وسایلی که برای تعمیر نزد تعمیرکار برده شده، پارچه‌ای که برای دوختن نزد خیاط آورده شده، لباسی که برای شستشوی اتوبه خشکشویی داده شده و صاحبان آن برای پس گرفتن مراجعه نکرده‌اند؛ همین طور، آنچه در اداره آگاهی از سارقین گرفته می‌شود یا در گمرک از متخلفین گرفته می‌شود و صاحب آنها معلوم نیست و نیز مانند کفش به جا مانده از فردی که اشتباهی کفش دیگری را پوشیده است؛

چنین مالی، «مجهول المالک» نامیده می‌شود.

احکام هریک از این دو (مال گمشده و مجهول المالک)، در مسائل بعد ذکر می‌شود.^۲

• الف. حکم مال گمشده

مال گمشده‌ای را که انسان برداشته است، دو صورت دارد:

الف. علامت و نشانه‌ای نداشته باشد؛

ب. دارای علامت و نشانه باشد؛ حکم هریک از آنها در مسائل بعد ذکر می‌شود.

۱. در استعمال عربی، «لُقطه» نامیده می‌شود.

۲. شایان ذکر است، آنچه در این فصل به عنوان «مجهول المالک» ذکر شده، مربوط به اموال «اشخاص حقیقی یا حقوقی» است که صاحبان آن ناشناخته و مجهول است؛ اما بخش‌های دولتی یا مشترک - مانند بانک‌های دولتی یا نیمه دولتی - در کشورهای اسلامی، که اموال آنها در حکم «مجهول المالک» محسوب می‌شود، احکام ویژه‌ای دارد که در جلد چهارم، فصل «احکام بانک‌ها و مؤسسات مالی اعتباری» ذکر می‌شود و احکامی که در این فصل بیان شده، شامل اموال مذکور نمی‌شود.

مسئله ۱۴۲۳. منظور از نشانه و علامت، هرویزگی و خصوصیتی است که مال به سبب آن قابل توصیف و معرفی می شود و از سایر اموال مشابه، متمایز و مشخص می گردد؛ این علامت ممکن است هریک از موارد ذیل باشد:

- نوع ساخت شیء؛ مانند وسایلی همچون برخی از قطعات طلا که با دستگاه و به طور یکنواخت و یکسان ساخته نمی شود؛
- خصوصیتی که بر اثر استفاده یا حوادث یا اقدام صاحب مال در آن به وجود آمده، مانند شکسته شدن واضح قسمتی از شیء؛
- همراه بودن چند مال با یکدیگر، مانند چند اسکناس که در کیف پولی قرار دارد یا کتابی که در کیسه پلاستیکی یا دستمالی وجود دارد؛
- موارد مشابه دیگر.

○ حکم مال گمشده بدون نشانه

مسئله ۱۴۲۴. اگر مال گمشده ای که انسان آن را برداشته، «علامت و نشانه ای» نداشته باشد - چه قیمت آن به ارزش یک «درهم»^۱ یا بیشتر باشد و یا کمتر از آن - می تواند آن را برای خود تملک نماید، هر چند احتیاط مستحب است آن را از طرف صاحبش صدقه دهد.

○ حکم مال گمشده علامت دار کمتر از یک درهم

مسئله ۱۴۲۵. اگر مال گمشده «علامت و نشانه» داشته باشد، در صورتی که قیمت آن کمتر از یک «درهم» باشد، اعلام و تفحص برای یافتن صاحب مال واجب نیست؛

البته، تملک آن برای کسی که آن را برداشته، محل اشکال است و احتیاط واجب است آن را از طرف صاحبش صدقه دهد.

۱. منظور از درهم، در مسئله «۱۴۲۶» ذکر می شود.

مسئله ۱۴۲۶. منظور از «درهم» سکه نقره‌ای است که در عصر معصومین علیهم‌السلام رایج بوده و بنابر نظر مشهور وزن آن معادل «۱۲/۶» نخود سکه نقره (نقره مسکوک) است و این مقدار حدوداً معادل «۲/۴۱۹» گرم می‌باشد؛ در زمان حاضر که سکه نقره‌ای که معامله با آن رواج داشته باشد، موجود نیست، ملاک همان وزن نقره است.^۱

مسئله ۱۴۲۷. برای آنکه معلوم شود قیمت مال پیدا شده به یک «درهم» (حدود ۲/۴۱۹ گرم نقره) می‌رسد یا نه، قیمت آن مال و قیمت نقره در منطقه‌ای که مال گمشده، برداشته شده و براساس نرخ همان زمان محاسبه می‌شود.

○ حکم مال گمشده علامت دار معادل یک درهم یا بیشتر

مسئله ۱۴۲۸. اگر مال گمشده، «علامت و نشانه» داشته باشد و قیمت آن یک «درهم» یا بیشتر باشد، کسی که آن را برداشته، باید به مدت یک سال^۲ به کیفیت که در مسائل بعد ذکر می‌شود آن را «اعلام» کرده و برای یافتن صاحبش تفحص و جستجو نماید.

۱. هر خود، یک بیست و چهارم مثقال صیرفی (بازاری) است و هر مثقال صیرفی، بنابر نظر مشهور در عرف رایج معادل «۴/۶۰۸» گرم می‌باشد. بنابراین، وزن هر نخود، «۵/۱۹۲» گرم یا «۱۹۲» سوت است و ۱۲/۶ نخود نقره، حدوداً ۲/۴۱۹ گرم خواهد بود. توضیح بیشتر در مورد «درهم» در جلد چهارم، فصل «دیات»، مبحث «مقادیر شرعی درهم و دینار» ذکر می‌شود.

۲. یک سال قمری کافی است، مگر مورد استثنایی که در مسئله «۱۴۳۲» ذکر می‌شود.

مسئله ۱۴۲۹. در مسئله قبل، پس از آنکه فرد مال گمشده را به مدت یک سال^۱ با توضیحاتی که در ادامه ذکر می شود معرفی و اعلام نمود، چنانچه موفق به پیدا کردن صاحبش نشود - هرچند از پیدا شدن صاحب مال ناامید شده باشد - بنابر احتیاط واجب نمی تواند آن را تملک نماید و مخیر بین دو کار است:

الف. مال را از طرف صاحبش - بنابر احتیاط واجب با اجازه حاکم شرع - صدقه دهد.^۲

ب. تا زمانی که از پیدا شدن صاحبش ناامید نشده، مال را برای وی نگهداری کند و در این مدت می تواند به طوری که مال از بین نرود، از آن استفاده کند، مثلاً انگشتی را که یافته به دست کند.^۳

البته، اگر مال در «حرم مکه» یافت شده باشد، احتیاط واجب آن است که پس از اعلام یک سال، آن را از طرف صاحبش صدقه دهد.

■ احکام اعلام و جستجو از صاحب مال

□ مدت زمان اعلام

مسئله ۱۴۳۰. در مواردی که اعلام لازم است، فرد باید مدت یک سال قمری کامل و بنابر احتیاط واجب به صورت پیایی این کار را انجام دهد؛ پس اگر مثلاً مدت چهار سال و هر سال سه ماه از آن را اعلام کند، بنابر احتیاط واجب کافی نیست.

مسئله ۱۴۳۱. آغاز زمان اعلام، باید بلافاصله پس از پیدا شدن و برداشتن مال

۱. همان.

۲. هرچند از پیدا شدن صاحبش ناامید نشده باشد.

۳. در این صورت (صورت ب)، اگر فرد مذکور - که نگهداری مال برای صاحبش را انتخاب کرده - بمیرد، ورثه وی، چنانچه از پیدا شدن صاحب مال ناامید نباشند، جانشین متوفی در نگهداری از مال محسوب می شوند، وگرنه باید آن را از طرف صاحبش - بنابر احتیاط واجب با اجازه حاکم شرع - صدقه دهند؛

اما اگر فرد قبل از آن بمیرد، بنابر احتیاط واجب ورثه وی احکام مال مجهول المالک را در مورد آن مال جاری نمایند؛ در این مورد به توضیحی که در مسئله «۱۴۵۶» ذکر می شود، مراجعه شود.

باشد و اگر فرد بدون عذر در اعلام و معرفی مال تأخیر بنماید، مرتکب گناه شده و در صورت تأخیر - چه با عذر و چه بدون عذر - چنانچه امید آن باشد که با اعلام صاحب مال پیدا شود، باید نسبت به آن اقدام کند.

شایان ذکر است، این حکم در موردی که فرد در زمان لازم شروع به اعلام کرده، اما در بین، مدتی آن را متوقف نموده نیز جاری است.

مسئله ۱۴۳۲. اگر انسان بداند چنانچه اعلام را بیش از یک سال قمری ادامه دهد، صاحب مال پیدا می‌شود، احتیاط واجب آن است که مال را صدقه ندهد و به اعلام ادامه دهد.

□ کیفیت و تعداد دفعات اعلام

مسئله ۱۴۳۳. برای اعلام، کیفیت و تعداد دفعات خاصی شرط نیست؛ بلکه باید طوری باشد که عرفاً بگویند فرد در طول سال، گم شده را معرفی و اعلام می‌کرده و در این امر کوتاهی نکرده است؛

مثلاً می‌تواند هر سه روز، بلکه هر هفته یک بار در محلّ اجتماع مردم شفاهاً اعلام کند یا کار دیگری که همین نتیجه را داشته باشد، انجام دهد؛ مانند چاپ در جرائد محلّی یا نصب اطلاعیّه در مکان مخصوص و معرض دید و در نزدیکی محلّ اجتماع مردم.

همین طور، انسان می‌تواند خودش اعلام نماید یا به شخص دیگری که اطمینان دارد بگوید تا وی از طرف او اعلام نماید.

مسئله ۱۴۳۴. در توضیحاتی که برای معرفی مال گم شده در هنگام اعلام ذکر می‌شود، توجه به دو نکته لازم است:

الف. طوری باشد که اگر صاحب مال بشنود، احتمال قابل توجهی بدهد که آن مال متعلّق به اوست؛

تحقق این مطلب در موارد مختلف، متفاوت است؛ گاه کافی است بگوید: «مالی پیدا کرده‌ام»؛ گاهی لازم است جنس آن را مشخص کرده و مثلاً بگوید:

«قطعه طلائی یافته‌ام»؛ گاه لازم است نوع آن را هم مشخص نموده و مثلاً بگوید: «گوشواره طلائی پیدا کرده‌ام».

ب. تمام خصوصیات را ذکر نکند و اعلام طوری نباشد که مال کاملاً معلوم شود و لازم است تا حدودی ابهام باقی باشد، بلکه احتیاط مستحب آن است که بیش از مقدار لازمی که معرفی مال بستگی به آن دارد و در قسمت «الف» توضیح داده شد، ذکر نکند.

مسئله ۱۴۳۵. اگر فردی مال گمشده را پیدا کند و دیگری بگوید: مال من است و نشانه‌هایی را هم برای مالش بگوید، در صورتی باید مال را به او بدهد که اطمینان داشته باشد مال اوست؛ البته لازم نیست نشانه‌هایی را که بیشتر اوقات صاحب مال هم ملتفت آنها نیست بگوید.

همین طور، اگر بینه (دومرد عادل) شهادت دهند مالک مال گمشده فلان شخص است، واجب است مال را به آن شخص بدهد و در این صورت، وظایف مربوط به مال گمشده همچون «اعلام» از وی ساقط می‌شود.

□ مکان اعلام

مسئله ۱۴۳۶. انسان باید مال گمشده را در محلی معرفی و اعلام کند که احتمال قابل توجه داده می‌شود صاحب مال از آن مطلع می‌گردد و اگر مکان‌های متعددی باشد که این ویژگی را دارد، چنانچه اعلام در تمام آنها ممکن نباشد، جاهایی که احتمال مطلع شدن صاحب مال در آن بیشتر باشد بر سایر مکان‌ها مقدم است.

مسئله ۱۴۳۷. با توجه به مسأله قبل، همیشه محلّ معرفی و اعلام، محلّ پیدا شدن مال نیست؛ بلکه گاه این احتمال در محلّ پیدا شدن مال وجود ندارد؛ مثل اینکه مال مربوط به مسافری باشد که به شهر دیگری رفته است یا اینکه مال در بیابان یا راه‌های بیرون از شهر و مانند آن پیدا شده، طوری که اعلام در محلّ پیدا شدن مال اثری ندارد؛

در این موارد، چنانچه ممکن باشد باید در شهری که فرد به آن رفته یا جاهایی

که احتمال رسیدن خبر اعلام به صاحب مال وجود دارد، اعلام صورت گیرد.

□ مسائل دیگر اعلام

مسئله ۱۴۳۸. اگر در بین سال - مثلاً پس از سه ماه اعلام - عذری نسبت به اعلام و معرفی مال پیش آید، پس از برطرف شدن عذر، چنانچه مدّت زمانی اعلام را ادامه دهد که با مقدار قبلی یک سال می شود - نه ماه در مثال مذکور - کافی است.

مسئله ۱۴۳۹. اگر مال گمشده یک سال باقی نمی ماند و طوری است که نگه داشتنش در زمان جستجو و فحص از صاحب آن، مال را در معرض از بین رفتن قرار می دهد، یا نگه داشتن مال مذکور در این مدّت موجب از بین رفتن برخی از ویژگی های آن می شود و در نتیجه ارزش مالیش کم می گردد، باید تا حدّا کثر زمان ممکن از آن نگهداری کرده و بنا بر احتیاط واجب، در طول این مدّت اعلام کند؛ پس از آن می تواند قیمت مال را مشخص کرده و به عهده بگیرد و هر تصرفی که بخواهد در آن بنماید و می تواند مال را بفروشد و ثمن (قیمت) آن را برای صاحبش نگهداری کند.

شایان ذکر است، در هریک از دو صورت فوق، تا تمام شدن یک سال، اعلام، ساقط نمی شود؛ پس چنانچه صاحبش پیدا شود، بدل مال را به او می دهد؛ در غیر این صورت، به آنچه در مسئله «۱۴۲۹» ذکر شد، عمل می کند.

مسئله ۱۴۴۰. اگر فرد در مورد مسئله قبل نخواهد قیمت مال را به عهده گرفته و از آن استفاده کند و امکان فروش آن نیز نباشد، باید آن را صدقه دهد و پس از آن اعلام ساقط می شود و چنانچه صاحب مال پیدا شود، پرداخت مثل یا قیمت به او واجب نمی باشد.

البته در این مسأله و مسئله قبل، احتیاط واجب آن است که صدقه و فروش مال و تملک آن برای خود در ازای صدقه دادن قیمت آن، با اجازه حاکم شرع باشد.

مسئله ۱۴۴۱. اگر انسان در بین سال از پیدا شدن صاحب مال گمشده ناامید و

مأیوس شود، نباید تا پایان سال صبر کند، بلکه باید مال را در همان وقت - بنابر احتیاط واجب با اجازه حاکم شرع - صدقه دهد.

مسئله ۱۴۴۲. اگر انسان اطمینان داشته باشد اعلام و معرفی فایده‌ای ندارد - مثل اینکه بداند صاحب مال به محلّ دور و نامعلومی مسافرت کرده که خبر به او نمی‌رسد - اعلام ساقط می‌شود.

همین طور، چنانچه فرد بترسد در صورتی که مال گمشده را معرفی و اعلام کند، مورد اتهام یا در معرض خطر قرار بگیرد، لازم نیست اعلام کند.

مسئله ۱۴۴۳. در موارد مسأله قبل که اعلام ساقط می‌باشد، احتیاط واجب آن است که تا زمانی که از پیدا شدن صاحب مال ناامید و مأیوس نشده، آن را برای صاحبش نگهداری کند و هرگاه ناامید و مأیوس شد، مال را از طرف او صدقه دهد.

البته، در این صورت اگر صاحب مال پیدا شود و راضی به صدقه نشود، می‌تواند بدل مال خود را مطالبه کند.

مسئله ۱۴۴۴. اگر انسان قبل یا بعد از اعلام، صاحب مال را بشناسد، چنانچه نتواند مال را به او یا وکیل یا ولیّش برساند و امکان تماس با او و اجازه گرفتن برای تصرف - حتّی تصرفاتی مانند صدقه و رساندن به خویشان مالک - وجود نداشته باشد، باید تا وقتی از رسیدن مال به صاحبش ناامید و مأیوس نشده، مال را برای او یا ورثینش نگهداری کند و هرگاه ناامید و مأیوس شد، آن را - بنابر احتیاط واجب با اجازه حاکم شرع - از طرف صاحبش صدقه دهد.

○ ضمان مال گمشده

مسئله ۱۴۴۵. اگر انسان مال گمشده را در موارد مجاز صدقه دهد، چنانچه صاحب

۱. مثل اینکه احتمال داده شود صاحب مال، خودش گم شدن مالش را اعلام کند و از این طریق نشانی از وی به یابنده برسد.

مال معلوم شود، می‌تواند به همان صدقه راضی شود و می‌تواند راضی نشود و از یابنده بدل^۱ مال را مطالبه نماید و در این صورت، بروی (یابنده) لازم است عوض مال را به عنوان غرامت بپردازد،^۲ مگر موردی که در مسأله «۱۴۴۰» ذکر شد.

مسأله ۱۴۴۶. مال گمشده‌ای را که انسان یافته و برداشته است، نوعی «امانت»^۳ به حساب می‌آید؛ پس چنانچه از بین برود، اگر در وظیفه خود نسبت به آن کوتاهی نکرده و در آن تصرف غیر مجاز ننموده، ضامن نیست، وگرنه ضامن می‌باشد.^۴ پس اگر مالی را که برداشته، دوباره به جای خود برگرداند یا آن را در محل اجتماع مردم بگذارد - چه در مدت زمان اعلام باشد و چه غیر آن - یا اعلام را بدون عذر به تأخیر بیندازد، ضامن است.^۵

مسأله ۱۴۴۷. اگر مال، قبل از اعلام و معرفی یا در بین مدت اعلام از بین برود، چنانچه فرد یابنده نسبت به آن ضامن محسوب نشود - که توضیح آن در مسأله قبل ذکر شد - لازم نیست اعلام کند یا آن را تا پایان سال ادامه دهد؛ ولی اگر ضامن محسوب شود، وظیفه فرد در اعلام یا ادامه آن ساقط نمی‌شود و چنانچه صاحب مال پیدا شود، باید بدل آن را به او بدهد.

○ چند مسأله درباره برداشتن مال گمشده

مسأله ۱۴۴۸. برداشتن مال گمشده در صورتی که انسان احتمال معقولی بدهد

۱. اگر مال از اشیای مثلی بوده، مثل آن و اگر قیمی بوده، قیمت آن پرداخته می‌شود.
 ۲. در این حالت، ثواب صدقه برای صدقه دهنده خواهد بود.
 ۳. منظور، «امانت شرعی» است که توضیح آن، در مسأله «۱۱۹۸» ذکر شد.
 ۴. البته، حکم در مورد صدقه دادن مال گمشده در مسأله قبل ذکر شد.
 ۵. توضیحات بیشتر درباره کوتاهی در نگهداری مال و تصرف غیر مجاز که باعث ضمان فرد می‌گردد، از آنچه در فصل «ودیعه»، مسائل «۱۲۱۲ تا ۱۲۱۶» ذکر شد، فهمیده می‌شود.
- شایان ذکر است ضامن بودن فرد نسبت به مال به این معناست که اگر آن مال تلف شود، چنانچه از اشیای مثلی است، مثل آن و اگر از اشیای قیمی است، قیمت آن - با توضیحاتی که در فصل «غصب» ذکر می‌شود - و اگر معیوب شود، ارزش (کاهش قیمت) را باید به صاحبش بپردازد. توضیح معنای مثلی و قیمی، در مسائل «۱۵۰۴ و ۱۵۰۵» ذکر می‌شود.

که اگر آن را برنماید، صاحبش جستجو کرده و آن را برمی دارد، «مکروه» است و این کراهت در مورد مالی که در حرم مکه پیدا می شود، بیشتر است؛

اما اگر چنین احتمالی داده نمی شود - هرچند به علت کم ارزش بودن مال باشد که معمولاً افراد از آن چشم پوشی و اعراض می کنند - برداشتن آن مکروه نیست؛

البته، با برداشتن و اخذ مال گمشده، باید مطابق با وظایفی که در این فصل بیان شد عمل نماید.

مسئله ۱۴۴۹. اگر کسی که مالی را یافته آن را برنماید و اخذ ننماید، لازم نیست به احکام مال گمشده عمل نماید؛

پس اگر انسان شیئی را ببیند و به دیگری اطلاع دهد و او آن را بردارد، کسی که آن را برداشته باید به احکام مذکور عمل کند.

مسئله ۱۴۵۰. اگر کسی مالی را بیابد و به دیگری امر کند تا آن را به او بدهد، کسی که مال را برداشته، باید به احکام مال گمشده عمل نماید؛ چه اینکه آن را برای خودش بردارد یا برای کسی که به او امر کرده است؛ چه اینکه مال را به او بدهد یا ندهد.

این حکم، در مورد کسی که مال گمشده را پیدا کرده و بدون آنکه دیگری او را امر کند آن را برداشته و به دیگری داده نیز جاری است.

مسئله ۱۴۵۱. اگر انسان مالی را به خیال اینکه متعلق به خودش می باشد بردارد و بعد بفهمد مال دیگری است و صاحبش آن را گم کرده، باید به احکام پیدا کردن مال گمشده عمل نماید.

مسئله ۱۴۵۲. اگر انسان مال گمشده ای را بیابد و بدون اینکه آن را بردارد و اخذ کند، آن را از محل خود به جای دیگر دور کند یا آن را کنار بزند، احکام پیدا کردن مال گمشده در مورد آن جاری نیست؛ ولی نسبت به آن ضامن می باشد؛^۱

۱. بنابراین، اگر بر اثر این کار آسیبی به مال وارد آید یا تلف شود، ضامن آن خواهد بود.

البته، چنانچه آن را با یا چیزی از قبیل عصا و مانند آن جا به جا کند تا آن را شناسایی نماید، ضامن نیست و احکام مال گمشده را هم ندارد.

مسئله ۱۴۵۳. اگر دیوانه یا نابالغ مال گمشده‌ای را بیابد و بردارد، در صورتی که «نشانه و علامتی» نداشته باشد، ولی شرعی او می‌تواند قصد تملک مال برای وی را بنماید و اگر مال «نشانه و علامت» داشته و قیمتش به یک «درهم» برسد، چنانچه ولی، آن را در اختیار گرفته^۱ باید - با توضیحاتی که سابقاً بیان شد - آن را اعلام و معرفی کند، سپس به دستوری که در مسئله «۱۴۲۹» ذکر شد، عمل نماید؛ اما اگر مال را در اختیار نگرفته است، می‌تواند به وظایف مذکور عمل کند، ولی واجب نیست.

• ب. حکم مال مجهول المالك

مسئله ۱۴۵۴. اگر مال مجهول المالك در معرض از بین رفتن نباشد، برداشتن و در اختیار گرفتن آن جایز نیست و چنانچه کسی آن را بردارد، حکم غصب را دارد و ضامن آن می‌باشد؛^۲

مگر آنکه اطمینان داشته باشد که مالک مال راضی است یا آنکه مالک از مال مذکور اعراض کرده و تصرف در آن را برای دیگران مباح کرده باشد.^۳

مسئله ۱۴۵۵. اگر مال مجهول المالك در معرض تلف و از بین رفتن باشد، انسان می‌تواند به قصد نگهداری - با توضیحاتی که در مسئله بعد ذکر می‌شود - آن را بردارد و در این صورت آن مال، حکم «امانت شرعی»^۴ را دارد.

۱. منظور «تسلط و استیلاء» بر مال گمشده است، هرچند با گرفتن مال از دست نابالغ یا دیوانه صورت گیرد.

۲. البته، اگر مال مجهول المالك در مکانی که ملک یا مورد ولایت فردی است جا مانده باشد - مانند اشیایی که در منزل شخصی یا موقوفه جا مانده و مکانی را اشغال کرده و مالک آن معلوم نیست - صاحب ملک یا متولی موقوفه می‌تواند با اجازه حاکم شرع آن اموال را جمع کرده و در جای دیگر نگهداری کند و مطابق احکام اموال مجهول المالك - که در مسائل بعد ذکر می‌گردد - عمل نماید.

۳. البته، تصرف در اموال فرد محجور مانند نابالغ، احکام ویژه‌ای دارد که در فصل «حجر» بیان شده است.

۴. معنای «امانت شرعی»، در مسئله «۱۱۹۸» ذکر شد.

بنابراین، چنانچه در نگهداری از آن کوتاهی نکرده و در آن تصرف غیر مجاز نیز ننماید، ضامن نیست.

مسئله ۱۴۵۶. اگر انسان مال مجهول المالک را بردارد - چه در موارد مجاز و چه موارد غیر مجاز - باید تا وقتی که از پیدا شدن صاحبش ناامید نشده، از آن تفحص و جستجو نماید؛

اما اگر از ابتدا از پیدا شدن صاحبش ناامید باشد یا پس از گذشتن مدتی ناامید شود، باید آن را به فقیری که شرایط استحقاق را داشته باشد^۱ از طرف صاحبش صدقه دهد؛

البته، در این صورت می تواند عین مال مجهول المالک (خود آن) را صدقه دهد یا مال مذکور را فروخته یا برای خودش بردارد و پول فروش یا قیمتش را صدقه دهد و احتیاط واجب آن است که صدقه و فروش و تملک آن برای خود (در ازای صدقه دادن قیمت مال) و قیمت گذاری، با اجازه حاکم شرع باشد.^۲

مسئله ۱۴۵۷. اگر فرد وسیله ای را برای تعمیر به تعمیرکار بسپارد یا پارچه ای را برای دوختن نزد خیاط آورد و تعمیرکار آن را تعمیر نماید یا خیاط با آن پارچه لباس بدوزد، چنانچه صاحبان آنها برای پس گرفتن مال خویش مراجعه نکنند و اموال مذکور از موارد مجهول المالک محسوب شود، تعمیرکار یا خیاط پس از آنکه از دست یابی به آنان - هر چند بعد از تحقیق و جستجو - ناامید و مأیوس شد، می تواند با اجازه حاکم شرع آنها را فروخته و اجرتی را که طلبکار است بردارد؛ البته، نسبت به باقیمانده مال باید به وظیفه ای که برای مال مجهول المالک در مسئله قبل بیان شد، عمل نماید.

مسئله ۱۴۵۸. اگر انسان بداند صاحب مال مجهول المالک یکی از افراد محصور

۱. شرایط استحقاق فقیر در این مورد، همانند شرایط پرداخت ردّ مظالم است که در فصل «دین»، مسائل ۹۳۱ تا ۹۳۹ ذکر شد.

۲. اگر انسان به شخصی بدهکار باشد، ولی فرد طلبکار نامعلوم باشد، حکم دین مذکور در فصل «دین»، مبحث «نامعلوم بودن طلبکار» ذکر شد.

- مثلاً یکی از پنج نفر معین^۱ - است، ولی نتواند بفهمد کدام یک از آنهاست، باید به آنها اطلاع دهد؛ پس از آن چند صورت فرض می‌شود:

- یکی از آنها بگوید: «مال من است» و دیگران بگویند: «مال ما نیست»، یا آن فرد را تصدیق کنند؛ در این صورت باید مال را به همان شخص بدهد.

- اگر دو نفر یا بیشتر بگویند: «مال ماست»؛ در این صورت چنانچه با مصالحه و مانند آن نزاع آنها حل نشود، باید برای فیصله نزاع به حاکم شرع مراجعه نمایند.

- همه اظهار بی‌اطلاعی کنند؛ در این صورت، چنانچه ممکن باشد مصالحه می‌کنند، وگرنه صاحب آن مال با «قرعه» تعیین می‌شود و احتیاط واجب آن است که حاکم شرع یا وکیل او متصدی قرعه باشد؛

کیفیت قرعه در این گونه موارد، دو صورت دارد:

الف. نسبت احتمال در مورد هریک از افراد برابر باشد؛ در این صورت، کسی که قرعه‌کشی می‌کند، می‌تواند نام هریک از افراد را بر قطعه کاغذی بنویسد و پس از مخفی نمودن نوشته‌ها و مخلوط کردن کاغذها به طوری که قابل شناسایی نباشد، یکی از آنها را خارج کند.

ب. نسبت احتمال در مورد افراد برابر نباشد؛ مثل اینکه فرد بداند مال، متعلق به یکی از سه نفر (علی، حسن و حسین) است و احتمال اینکه مال «حسن» یا «حسین» باشد هر کدام ۲۵ درصد و احتمال مالکیت «علی»، ۵۰ درصد باشد؛ در این صورت، ۴ قطعه کاغذ تهیه شده که بر یکی از آنها نام «حسن»، بر دیگری نام «حسین» و بر دو قطعه کاغذ نام «علی» نوشته می‌شود و مانند صورت قبل یکی از آنها خارج می‌گردد.^۲

۱. معنای «محصور و غیر محصور» در فصل «دین»، صفحه «۴۴۳»، پاورقی «۲» ذکر شد.

۲. بدیهی است قرعه‌کشی لازم نیست با قطعات کاغذ انجام شود و با ابزارهای دیگر همچون گردونه و گوی‌های مخصوص قرعه‌کشی نیز قابل انجام است؛ البته همان طور که در مسأله «۷۷۹» ذکر شد، طوری نباشد که در تعیین فرد، اراده مخلوق دخالت داشته باشد، بلکه کار را به خدای متعال تفویض نمایند.

مسئله ۱۴۵۹. اگر مال مجهول المالکی که فرد آن را برداشته، طوری است که نگه داشتنش در زمان جستجو و فحص از صاحب آن، مال را در معرض از بین رفتن قرار می‌دهد، یا بر اثر از بین رفتن برخی از خصوصیاتش در طول این مدت، ارزش آن کم می‌شود، لازم نیست فحص و جستجو کند یا فحص را ادامه دهد؛

بلکه با بروز چنین حالتی، فرد باید عین مال مجهول المالک (خود آن) را از طرف صاحبش صدقه دهد یا مال مذکور را فروخته یا برای خودش بردارد و پول فروش یا قیمتش را صدقه دهد و احتیاط واجب آن است که صدقه و فروش و تملک آن برای خود (در ازای صدقه دادن قیمت مال) و قیمت‌گذاری، با اجازه حاکم شرع باشد.

مسئله ۱۴۶۰. اگر انسان مال مجهول المالک یا قیمتش را با توضیحات مسائل قبل، صدقه بدهد، ولی بعداً مالک آن پیدا شود و به صدقه راضی نگردد، بنابر احتیاط واجب ضامن است.

مسئله ۱۴۶۱. اگر انسان پس از آنکه مالی را از کسی گرفت، بفهمد آن مال متعلق به دیگری بوده و به طور غصبی در اختیار وی (کسی که مال را از او گرفته) قرار داشته، آن مال حکم مال مجهول المالک را دارد.